

## درباره ی

# سانترالیزم دموکراتیک و رژیم

به هیئت تحریریه ی «Socialist Appeal» (ایالات متحده)

طی چند ماه گذشته، من نامه هایی در مورد رژیم درونی یک حزب انقلابی از سوی شماری از رفقای ظاهراً جوانی که نمی شناسم، دریافت کرده ام. در برخی از این نامه ها از «فقدان دموکراسی» در سازمان شما، برخوردهای تحکم‌آمیز «رهبران» و نظایر این ها شکایت شده است.

رفقای از من می خواهند «فرمولی شفاف و دقیق در مورد سانترالیزم دموکراتیک» ارائه کنم که راه را به سوی برداشت ها و تفسیرهای نادرست ببندد. پاسخ دادن به این نامه ها آسان نیست. هیچ یک از مکاتبه کنندگان با من حتی تلاش نمی کنند که به طور شفاف و کنکرت با ذکر نمونه های واقعی بگویند که موارد نقض دموکراسی دقیقاً در کجا نهفته است.

از سوی دیگر، تا جایی که من به عنوان یک ناظر می توانم بر مبنای روزنامه ها و بولتن های شما قضاوت کنم، بحث در سازمان شما با آزادی تمام صورت می گیرد. بولتن ها اکثراً به وسیله ی نمایندگان یک اقلیت کوچک تهیه

می شوند. به من گفته شده است که همین امر، در مورد جلسات بحث شما هم صدق می کند. تصمیمات هنوز اجرا نمی شوند. آشکار است که این ها از طریق کنفرانسی که آزادانه انتخاب گردیده اجرا خواهند شد. پس نقض دموکراسی دقیقاً در کجا می توانسته است آشکار شده باشد؟ فهم این موضوع دشوار است.

گاهی، با قضاوت بر اساس خروارها نامه، یعنی در اصل با قضاوت بر مبنای آشفتگی و درهم ریختگی شکایات، این گونه به نظر می رسد که شکایت-کنندگان تنها از این موضوع ناراضی هستند که علی رغم وجود دموکراسی، آن ها هنوز یک اقلیت کوچک باقی مانده اند. من بنا به تجربه ی شخصی خود می دانم که این وضعیت ناخوشایند است. اما نقض دموکراسی در کجاست؟

به علاوه من فکر نمی کنم بتوانم چنین فرمولی در مورد سانترا لیزم دموکراتیک ارائه کنم که «یک بار و برای همیشه» سوء برداشت ها و تفسیرهای نادرست را محو کند. حزب، یک ارگانیزم فعال است. حزب در مبارزه با موانع خارجی و تضادهای درونی است که تکامل پیدا می کند.

تجزیه ی دهشتناک بین الملل های دوم و سوم، تحت شرایط وحشتناک عصر امپریالیستی، دشواری هایی را برای بین الملل چهارم ایجاد می کند که تاکنون در تاریخ سابقه نداشته است. این دشواری ها چیزی نیستند که بتوان با توسل به نوعی فرمول سحرآمیز بر آن ها فائق آمد. رژیم یک حزب، حاضر و آماده از آسمان سقوط نمی کند، بلکه به تدریج در جریان مبارزه شکل می گیرد. یک خط سیاسی بر این رژیم تسلط دارد. پیش از هر چیز لازم است که مسائل استراتژیک و روش های تاکتیکی را به درستی به منظور حل آن ها تعریف کنیم. اشکال سازمانی باید متناظر با استراتژی و تاکتیک باشند.

تنها یک خط مشی صحیح سیاسی است که می تواند تضمین کننده ی یک رژیم حزبی سالم باشد. البته همان طور که می توان فهمید، این امر به آن معنا نیست که تکامل حزب به بروز مشکلات سازمانی، به معنای دقیق کلمه، نمی انجامد. بلکه به آن معناست که هر فرمولی برای سانترالیزم دموکراتیک به ناگزیر باید در احزاب کشورهای مختلف و در مراحل متفاوت تکامل همان حزب، بیان و نمود متفاوتی داشته باشد.

دموکراسی و سانترالیزم به هیچ روی خود را در نسبتی ثابت با یک دیگر نمی یابند. همه چیز به شرایط مشخص، موقعیت سیاسی کشور، توانمندی حزب و تجربه ی آن، سطح عمومی اعضای آن، اتوریتته ای که رهبری به دست آورده است، بستگی دارد. پیش از یک کنفرانس، یعنی زمانی که مشکل، فرموله کردن یک خط سیاسی برای دوره ی آتی است، دموکراسی بر سانترالیزم غلبه می کند.

هنگامی که مشکل به عمل سیاسی برمی گردد، سانترالیزم است که دموکراسی را تحت تبعیت خود درمی آورد. دموکراسی مجدداً زمانی حق خود را بیان می کند که حزب نیاز پیدا می کند تا با دیدی انتقادی به ارزیابی فعالیت های خود بپردازد. تعادل بین دموکراسی و سانترالیزم، خود را در مبارزه ی واقعی برپا می سازد، در لحظاتی نقض می شود، و سپس دوباره خود را برقرار می کند. بلوغ هر عضو حزب خود را به طور اخص در این حقیقت آشکار می کند که او از رژیم حزب، چیزی بیش از آن چه که می تواند اعطا کند، درخواست نمی کند. کسی که بسته به هر یک تلنگر، رویکرد خود نسبت به حزب را تعریف می کند، یک انقلابی ضعیف است.

البته مبارزه علیه هر یک از اشتباهات رهبری، هر بی عدالتی و نظایر این ها، ضروری است. اما این هم ضروری است که چنین «بی عدالتی ها» و «اشتباهاتی» را نه در خودشان، بلکه در ارتباط با تکامل عمومی حزب- هم در مقیاس ملی و هم بین المللی- ارزیابی کنیم.

قضاوت صحیح و درک کردن تناسب در سیاست، فوق العاده مهم است. کسی که عادت دارد از گاه، کوه بسازد، مستعد آن است که به مراتب بیشتر به خودش و حزب لطمه وارد بیاورد. بدبختی کسانی مانند اولر، فیلد، و ایزبورد و سایرین، همین فقدان درک و فهم تناسب است.

در حال حاضر شمار افراد نیمه انقلابی، افراد خسته از شکست و هراسان از دشواری ها، جوانان سالخورده ای که تردیدها و ادعاهای شان به مراتب بالاتر از اراده به مبارزه است، کم نیست. چنین افرادی به جای تحلیل جدی مسائل سیاسی در اساس، در هر موقعیتی از «رژیم» می نالند، از رهبری انتظار معجزه دارند، یا تلاش می کنند که بدبینی درونی خود را با حرف های مفت ماوراء چپی بپوشانند.

متأسفانه باید بگوییم که از دل چنین عناصری، انقلابی بیرون نخواهد آمد، مگر آن که اینان خودشان را کنترل کنند. از طرف دیگر تردیدی ندارم که نسل جوان کارگران آن طور که شایسته است قادر به ارزیابی محتوای برنامه ای و استراتژیک بین الملل چهارم خواهد بود و بیش از پیش تحت پرچم آن صف آرای خواهد کرد.

هر انقلابی واقعی که اشتباهات فاحش رژیم حزبی را ثبت می کند، باید پیش از هر چیز به خود بگوید: «ما باید ده ها کارگر جدید را به حزب وارد کنیم!». کارگران جوان، تمامی حضرات شکاک، عریضه نویسان و افراد مردد

را به رعایت انضباط و حرف شنوی فراخوانند خواند. تنها از خلال چنین مسیری است که یک رژیم حزبی سالم در بخش های بین الملل چهارم ایجاد خواهد شد.

تروتسکی

۱۹۳۷

منبع: آرشیو مارکسیست ها در اینترنت

ترجمه: آرمان پویان

بازنویس: یاشار آذری

آدرس اینترنتی کتاب خانه: <http://www.nashr.de>

ایمیل یاشار آذری: [yasharazarri@gmail.com](mailto:yasharazarri@gmail.com)

مسئول نشر کارگری سوسیالیستی: یاشار آذری

تاریخ بازنویسی: ۱۳۹۳